

# قهر مانان بنیانگزار امپراطوری مالی

## نوشته جبرئیل تامسیر نیان

روایات تاریخی «ماندینگ» که بوسیله شاعران و نوازندگان دوره گرد تعلیم داده میشوند مجموعه‌ای است که شخصیت سونجاتا، بنیانگزار امپراطوری مالی، محور آنرا تشکیل میدهد. باید یقین داشت که اگر این بطول در سال ۱۳۵۳ و پس از وی ابن خلدون در سال ۱۳۷۶ ذکری از این فاتح بزرگ در نوشته‌های خود میان‌نمی‌آوردند مورخان کلاسیک مسلماً سونجاتا را همچنان پدیده‌ی یکی از اجداد اساطیری یا افسانه‌ی مینگریستند؛ بسکه سنت شفاهی سیم بزرگی در تاریخ ماندینگ یا مالی برای او قایل است.

در روایت آمده است که ناره فاماگان پادشاه قوم «مالینکه» (۱۲۱۸-۱۲۳۵) همسران متعددی داشت که نام یکی از آنها «سوگولون کونده» بود. او پسری بیمارگونه بدنی آورد که تا ده سالگی قادر بر راه رفتن نبود. کودک سونجاتا نامیده میشد. رنجوری او سبب شد که بهنگام تصرف مالی از طرف «سون ماواتو» پادشاه قبیله «سوسو» یکی از قبایل ساکن نواحی مجاور مالی او جان سالم بدر برد.

روایت میگوید سونجاتا که مایل بود بکشورش کمک کند یک میله آهنی خواست تا بیازی آن بتواند روی پاهای خود بایستد. ولی میله زیر سنگینی بدن او خم شد. کسی آنکاه فریاد برآورد و گفت: «عصای پادشاهی پدرش را بوی دهید تا به آنکاه آن بتواند بدن خود را راست نگه دارد. و واقعاً هم او با تکیه کردن بر این نشانه پادشاهی توانست روی پای خود بایستد.

ولی تعدیات «سون ماواتو» همچنان ادامه داشت. سونجاتا جلای وطن کرد. قوم مالینکه گروهی را بنمایندگی از سوی خود به «مه‌ما» اقامتگاه وی فرستاد تا از او بخواهند که رهبری شورش علیه «سون ماواتو» را بعهده گیرد. در نبرد «کیرینا»، دشتی واقع در میان «بوماکو» و «کانگابا» در ساحل چپ روخانه نیجر شورشیان

قوای «سون ماواتو» را شکست دادند و بدینسان پایه‌های امپراطوری مالی را بنیان نهادند.

روایات ماندینگ وضع و تدوین رسوم و آداب و ممنوعیت‌هایی را که تاکنون بر روابط میان طوایف ماندینگ از یکسو و روابط این طوایف با دیگر طوایف آفریقای غربی از سوی دیگر حاکمند باین قهرمان جوان و پیروزمند نبرد «کیرینا» نسبت میدهند. البته باید از میزان اعدا در مورد وی بسیار کاست زیرا باین رقیب اسکندر کبیر اعمالی نسبت داده شده که در زمانهای بسیار پیش از زمان زندگی وی اتفاق افتاده‌اند. با اینهمه طرح عمده و اصلی قانون اساسی و سازمانهای اداری امپراطوری مالی تا حد وسیعی بدست سونجاتا تهیه شد. طبق روایت، مجمع بزرگ یا «گبارا» که یک مجلس مؤسسان واقعی بود در «کوروگان فوگا» تشکیل شد و در همین مجمع بود که سونجاتا رسماً بعنوان «مانسا» یعنی امپراطور و یا شاه شاهان معرفی گردید. هر یک از متحدان او عنوان پادشاهی و یا حکمرانی سرزمین خود را یافتند و درواقع تنها سرکردگان «مه‌ما» و «واگادو» عنوان پادشاهی را بدست آوردند. مجمع مقرر داشت که امپراطور باید از میان افراد دودمان سونجاتا برگزیده شود و شاهزادگان باید همیشه نخستین همسر خود را بیاد زناشویی فرخنده «ناره فاماگان» و «سوگولون کونده» از میان دختران طایفه کونده انتخاب کنند و طبق سنت قدیم جانشینی باید براساس برادری استوار باشد و امپراطور باید بعنوان قاضی اعظم، پدر طایفه، پدر همه رعایا، شناخته شود. عبارت «پدر تاجدار» که هنگام خطاب به پادشاه بیان میشود ناشی از اینجاست.

طوایف مالینکه و متحدان آنها بشانزده طبقه متشکل از افراد آزاد یا نجبا که با خود قرکشی حمل میکردند تقسیم شدند پنج طبقه از گروه رابط، نخستین متحدان سونجاتا، و از میان آنها طبقه «توره» و «برته» که هنگام تبعید سونجاتا در جستجوی وی فعالانه شرکت جسته بودند بعنوان نگهبانان ایمن معرفی گردیدند. پیشه‌وران بچهار طبقه از آنجمله گروه شاعران و نوازندگان دوره‌گرد، کفاشان و برخی از طبقات آهنگران تقسیم شدند.

بطوری که در روایت آمده است سونجاتا دنیا را تقسیم کرد یعنی حقوق و وظایف هر طبقه‌ی را معین نمود. در مورد طوایف مغلوب تقسیم خاصی اتخاذ گردید. بدین معنی که آنها را میان طبقات پیشه‌وران تقسیم کردند و سرزمین آنها ضمیمه قلمرو امپراطوری شد و بسیاری از آنها بگوهستانهای «فوتاجالون» پناه بردند.

این قانون اساسی ارزش فراوانی داشت و شعاع عمل آن بسیار گسترده بود. نخست اینکه نمونه کاملی از طرح قدیمی امپراطوری غنا که در آن استقلال هر منطقه برسمیت شناخته شده بود بحساب می‌آمد. ولی بالاتر از همه اینکه سونجاتا برای طبقه پیشه‌وران قانون وضع کرد و مشاغل را موروثی ساخت. در زمان حکومت امپراطوری غنا ظاهراً افراد بشغل دلخواه خود میپرداختند. ولی از آن پس پسر بخصوص در میان چهار طبقه از پیشه‌وران می‌بایست شغل پدر خود را پیش گیرد.

هر ایالتی و یا قلمروی از یک استقلال نسبی برخوردار شد. نام ماندینگ یا مالی برای همه سرزمین‌هایی که در آن گروه کثیری از مردم ماندینگ سکونت داشتند بکار رفت و «فرمانفرمای همه ملل» عنوان رسمی امپراطور گشت.

العمری رابین و دبیر سلاطین مصر و شامات فبرستی مرگب از دوازده ایالت و چهارده شهر برای ما بجای گذاشته که همه آنها شناخته شده نیستند. بسیاری از آثار مؤلفان عرب که منبع تاریخ مالی را تشکیل میدهند در زمانی ترجمه شده‌اند که در آن راجع باسامی شهرها و نواحی و جغرافیای سودان اطلاعات چندانی در دست نبود.

بی‌شک میتوان شهر «نیانی» (طبق نوشته العمری) را با «نیانی» که روستای کوچکی واقع در مرز کینه و مالی است یکی دانست. او چنین مینویسد: «نیانی» شهری است با طول و عرض گسترده و درازا و پهنای آن در حدود ۲۳ کیلومتر است. حصار در اطراف آن وجود ندارد و خانه‌های آن عموماً از هم فاصله دارند. شاه صاحب مجموعه‌ی از کاخهاست که دوران را دیوار دایره شکلی فرا گرفته است. شعبه‌ی از رودخانه نیل (نیجر) از چهارسو این شهر را احاطه کرده است. خانه‌های شهر مانند دیوارهای باغهای دمشق از طبقات گل رس ساخته شده‌اند. طرزساختن خانه بدینترتیب است: خانه را تا ارتفاع دوسوم ارش از گل رس بنا میکنند و سپس آنها را میکندند تا خشک شود. و بعد بر روی آن ساختمان بنا را تا پایان ادامه میدهند. سقف خانه‌ها از نی و تیر و غالباً گنبدی و مخروطی شکل و یا بشکل گوهان شتر و شبیه بطاق ساخته میشود. کف خانه‌ها را خاک مخلوط با شن تشکیل میدهد.

حفاری تپه‌های روی مقابر در «نیانی» هرگونه ابهامی را اکنون از میان برده است. پایه‌های سنگی واقع در ریز توده انبوهی از گل لکدمال شده، قطعات و نمونه‌هایی دست نخورده از ظروف زیبای سفالین و آثاری از طرح زمینی یک مسجد و دیوار اطراف قصر بما اکنون امکان

جبرئیل تامسیر نیان Djibril Tamsir Niane  
اهل سنگال است. او سمت مدیریت کل بنیاد اهل اس سنگور را در داکار بعهده دارد. این دانشمند کتابی بنام «تاریخ آفریقای غربی در زمان امپراطوریهای بزرگ از قرن یازدهم تا قرن شانزدهم میلادی» و نیز آثار متعددی درباره روایات شفاهی قوم ماندینگ برشته تحریر درآورده است. او اکنون در تألیف مجموعه‌ی از سنن مربوط به دنیای ماندینگ شرکت دارد و مسئولیت تألیف جلد چهارم کتاب تاریخ عمومی آفریقا نیز که تحت نظارت یونسکو در دست تهیه است بعهده اوست.

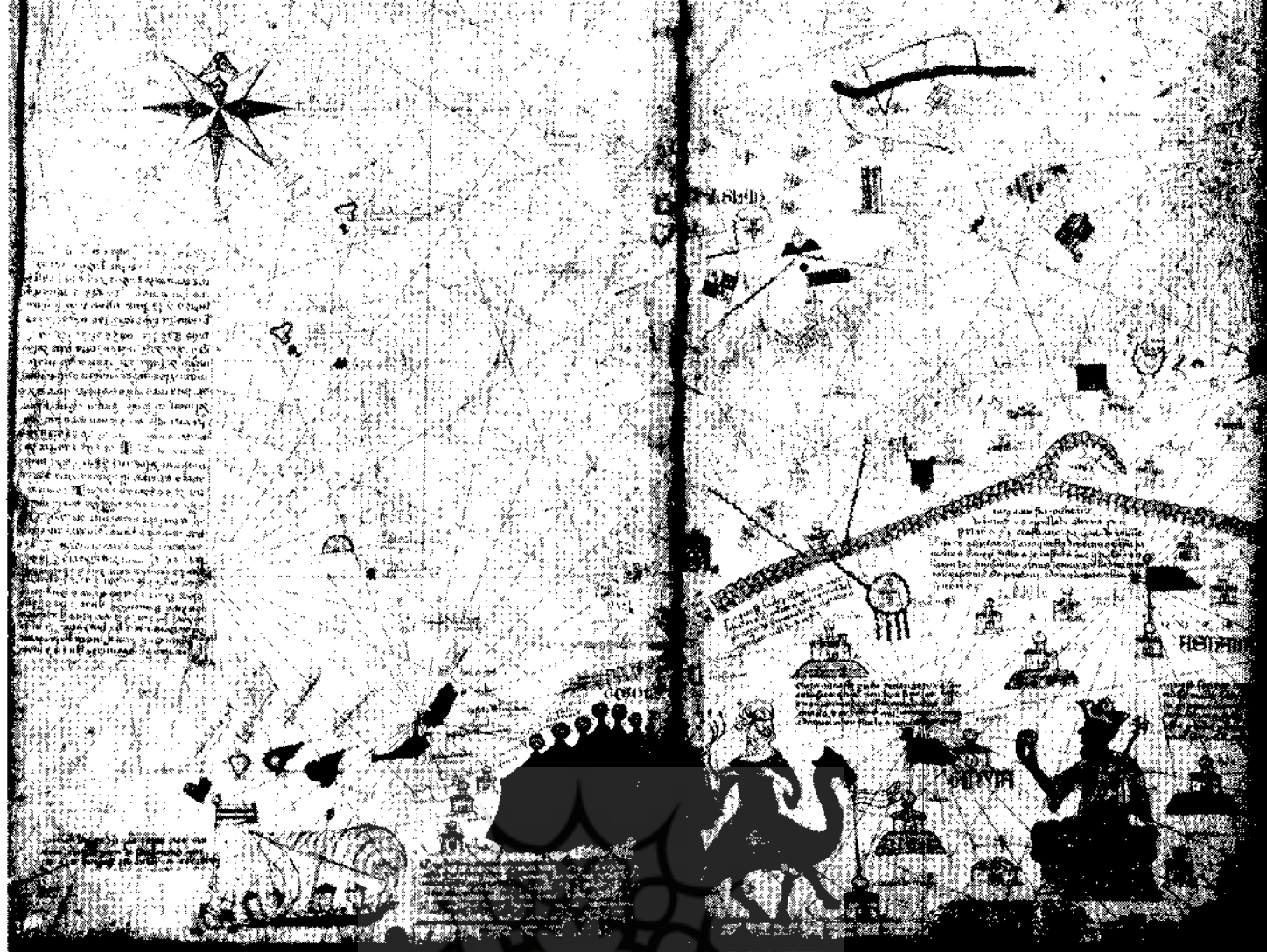


Photo © Bibliothèque Nationale, Paris

نقشه جهان‌نمای مشهور موسوم به «اطلس کاتالان» که بسال ۱۷۷۵ توسط آبراهام کرسک بسرای شارل پنجم پادشاه فرانسه تنظیم گردیده نمایانگر اعتباری است که امپراطوری ماسی در قرن چهاردهم از آن برخوردار بود. در این دوره، امپراطوری مالی بسرایش عظیمی از آفریقای غربی گسترش داشت. در این نقشه امپراطور را در وسط قلمرو سلطنتی‌اش با يك حالت مقتدرانه مشاهده میکنید. او بر سر پادشاهان اروپا تأثیری بر سر نهاده و يك تکه بزرگ طلا در دست دارد. امپراطوری مالی در آفریقا بخاطر معادن طلای فراوانش شهرت داشت. در برابر او یکی از رؤسای قبیله «توآرگ» بر پشت شتر خود نشسته است.

نیانی و بسیاری از شهرهای دیگر دست‌کم صد هزار نفر جمعیت داشته‌اند. در طول دره‌های حاصلخیز نیجر و سنگال روستاهای بهم فشرده و انبوهی ایجاد شده بودند. جانشینی سیاسی مبتنی بر اصول قدیمی جانشینی برادر بر برادر پس از مرگ سونجاتا مورد رعایت قرار نگرفت. زیرا پس ارشد بوی «مانسا یرلینگون» که «مانسا اولین» یا «مانسا اولی» نیز نامیده میشد قدرت را در دست گرفت و از ۱۲۵۰ تا حدود سال ۱۲۷۰ فرمانروایی کرد.

در سال ۱۳۰۷ تاج و تخت پادشاهی بدست یکی از برادرزاده‌های سونجاتا بنام «کانکوموسی» که به «مانسا موسی اول» ملقب بود افتاد که از سال ۱۳۰۷ تا حدود سال ۱۳۳۷ سلطنت نمود. سفر این پادشاه بملکه در سال ۱۳۲۴ و بخصوص اقامت وی در قاهره - که در آن به توزیع طلای چنان فراوانی پرداخت که بهای این فلز گرانبها برای مدت درازی در بازار کاهش یافت - موجبات شهرت فوق‌العاده او را فراهم آورد. این سفر ثمرات فراوانی برای تاریخ آینده سودان غربی به بار آورد. زیرا پس از آن مصر، مغرب، پرتغال و شهرهای تجارتي ایتالیا دلبستگی روزافزونی نسبت به مالی پیدا کردند. خود مانسا موسی نیز که بقدرت خود بسیار مغرور بود سعی وافعی بعمل آورد تا امپراطوری خود را بهشت روی زمین در جهان معرفی کند.

مانسا موسی اول برای سفر خود به مکه تدارکات عظیمی دید. طبق روایت او از هر شهر

نیچر مربوط میساختند. نیانی توجه بازرگانان سیاه‌پوست، اعراب و بربرهای آفریقای را اندک اندک بخود جلب کرد. درباره مرگ سونجاتا افسانه‌های فراوانی وجود دارد. مسلم آنستکه او در حدود ده کیلومتر بالاتر از «نیانی» در رودخانه سانکارانی و در محلی که يك صخره برآمده از زیر آب وجود دارد غرق شده است. آب این قسمت از رودخانه بسیار عمیق است و قایق‌رانان با احتیاط از آنجا عبور میکنند. در دوسوی رودخانه «که‌ایتاها» پرستشگاهی با محرابهای سنگی ساخته‌اند که در آن نسل ممتاز سردار فاتح گاه در مواقع مهم برای قربانی کردن مرغ و جوجه، گوسفند و یا گاو گردهم می‌آیند.

مالی در اوج گسترش خود رویهمرفته سودان غربی را از معادن نمک «تکارا» در صحرا تا جنگلهای گینه - عاج در جنوب و از غرب بشرق از اتلانتیک (تکورو، گامبی، بامبادینگا یا گینه - بیسائو) تا «ایر» در منطقه «الشوق» که معادن مس آن در آن زمان فعالانه مورد بهره برداری قرار میگرفت تحت کنترل خود داشت. تخمین میزان جمعیت امپراطوری دشوار است. در قرن شانزدهم محمود کتی تعداد شهرهای مالی را تا چهارصد ذکر کرده است مسلم است که در این امپراطوری بخصوص در دره نیجر میان جنبه و تومبوکتو جمعیت فراوانی وجود داشته است. در «تکورو» و «گازامانس» میزان جمعیت روستایی بسیار زیاد بوده است. احتمال میرود که در قرن چهاردهم در اوج شکوفایی کشور

میدهند تا یقین حاصل کنیم که سونجاتا پایتخت خود را که بیش از صدسال مرکز سیاسی سودان غربی بشمار میرفت در سواحل «سانکارانی» بنا کرده است.

«نیانی» که در جلگه‌یی بسیار گسترده در طول ساحل «سانکارانی» شهر زیبایی را تشکیل میداد از تپه‌هایی بشکل نیمدایره که گذرگاه‌هایی از میان آنها عبور می‌کرد احاطه شده بود و قلعه مرتفع يك کوه سنگی بر آن مشرف بود. رودخانه سانکارانی عمیق و سراسر سال قابل کشتیرانی بود.

مانی - نام اولیه شهر - در مجاورت جنگل گینه - عاج قرار داشت که از آن طلا و روغن نخل وارد شهر میشد و در آن بازرگانان مالینکه پنه و اشیاء سنی میفروختند. مانی شهر کوچکی بود ولی ایستادگی پادشاه آن در برابر «سومافور» نام این شهر را پرآوازه ساخته بود. سونجاتا وقتی در آنجا مستقر گشت نام آنرا به «نیانی» تبدیل ساخت که بزبان قوم مالینکه «رنج و محنت» معنی میدهد. در روایت، این شهر «نیانی مابوری» یعنی تبعیدگاه سونجاتا یا «فراز غم و اندوه» نامیده میشود. این نام تازه نشان میداد که دوران رنج و محنت سردار فاتح بسر آمده است. «نیانی» در جلگه و پای کوهها بسرعت گسترش یافت. این شهر از طریق دو بندر واقع در کرانه سانکارانی یکی بندر شمال و دیگری بندر جنوب با سرزمین‌های دیگر ارتباط داشت و در عین حال دو جاده یکی جاده ماندینگ و دیگری جاده ساراگوله آن را به ماندینگ (بوره) و دره

شهر چنه که توسط السعدی یکی از مورخان عرب در قرن چهاردهم به‌عنوان بزرگترین مرکز داد و ستد جهان اسلام توصیف شده است هنوز نیز بناهای تاریخی بسیار زیبایی را دربر دارد. مسجد این شهر که در سال ۱۹۵۷ بنا شده با مسجد شهر نومیونکو از برجسته‌ترین نمونه‌های سبک معماری سودان بشمار می‌آیند. این مسجد بطوری که در این تصویر مشاهده می‌شود مانند بناهای مشهور دوران فرمانروایی امپراطور کانکو موسی از گل لگدمال شده مخلوط با قطعات چوبی ساخته شده و دارای سبک معماری خاصی است. در بالا سمت چپ دورنمای مسجد را مشاهده می‌کنید. در تصویر مقابل یکی از درهای مسجد را که به‌پشت‌بام گشوده می‌شود و در پایین تصویر پناهگاهی را که برای مصون‌ماندن از گزته آفتاب ساخته شده است می‌بینید.

Photos © Monique Maneval, Paris

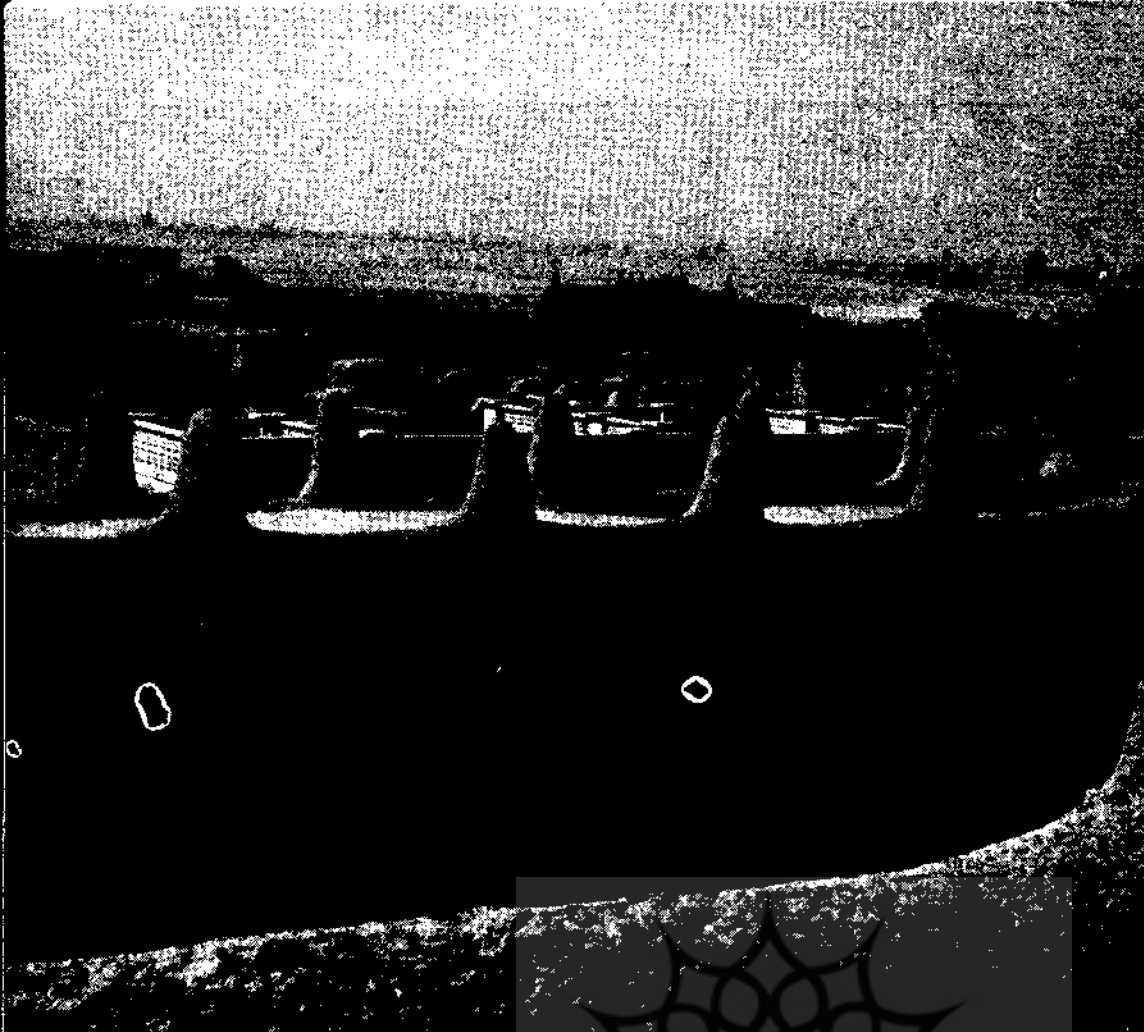


تجارتی و از تمام ایالات مبلغ خاصی به‌عنوان جزیه دریافت داشت و با کبکبه فوق‌العاده‌یی نیانی‌را ترک کرد. در مورد همراهان پادشاه ارقام ارائه شده توسط مولفان عرب اگرچه مبالغه آمیز بنظر می‌رسد ولی دست کم نمودار قدرت بسیج‌کننده کشور مالی است: شصت هزار باربر، پانصد نفر خدمتکار با لباسهای مزین بنوارهای طلائی و هر کدام عصایی زرین در دست. «محمود ماتی» در آغاز قرن شانزدهم براساس یک روایت کتبی شرح میدهد که امپراطور هنوز در کاخ خود بود ولی سردسته ملتزمین رکاب وی به نومیونکو رسیده بود. در قاهره از وی احترامی که شایسته یک پادشاه بزرگ است بعمل آوردند. او با اہبت و گشاده‌دستی درخور سلاطین داستان هزار و یکشب، احترام دیگران را نسبت بخود پرمیانتگیخت او یکی از پادشاهان معدودی است که تصویری از چهره آنها در دست هست. طبق نوشته مگریزی اوجوانی بود سیه چرده که قیافه خوش آیند و اندام زیبایی داشت و از پیروان مذهب مالکی بشمار می‌آمد. در میان همراهان همیشه با لباس فاخر و سوار براسبی که بزین و برگ باشکوهی مجهز بود نمایان میشد. بیش از ده هزار نفر از رعایایش او را همراهی میکردند. زیبایی و شکوه تحف و هدایایی که به‌همراه خود می‌آورد دیدگان آدمی را خیره می‌ساخت.

طبق روایت، او برای تأمین مسکن زائران سودانی در مکه و قاهره زمین و خانه خرید و مهیتر از آن اینکه با ممالیک روابط اقتصادی و فرهنگی استوار برقرار کرد.

چون سخت تحت‌تأثیر زیبایی و شکوه کاخهای قاهره قرار گرفته بود از اینرو یکی از مشهورترین معماران مصری موسوم به اسحق-التوعجین را همراه خود بکشور خویش آورد و

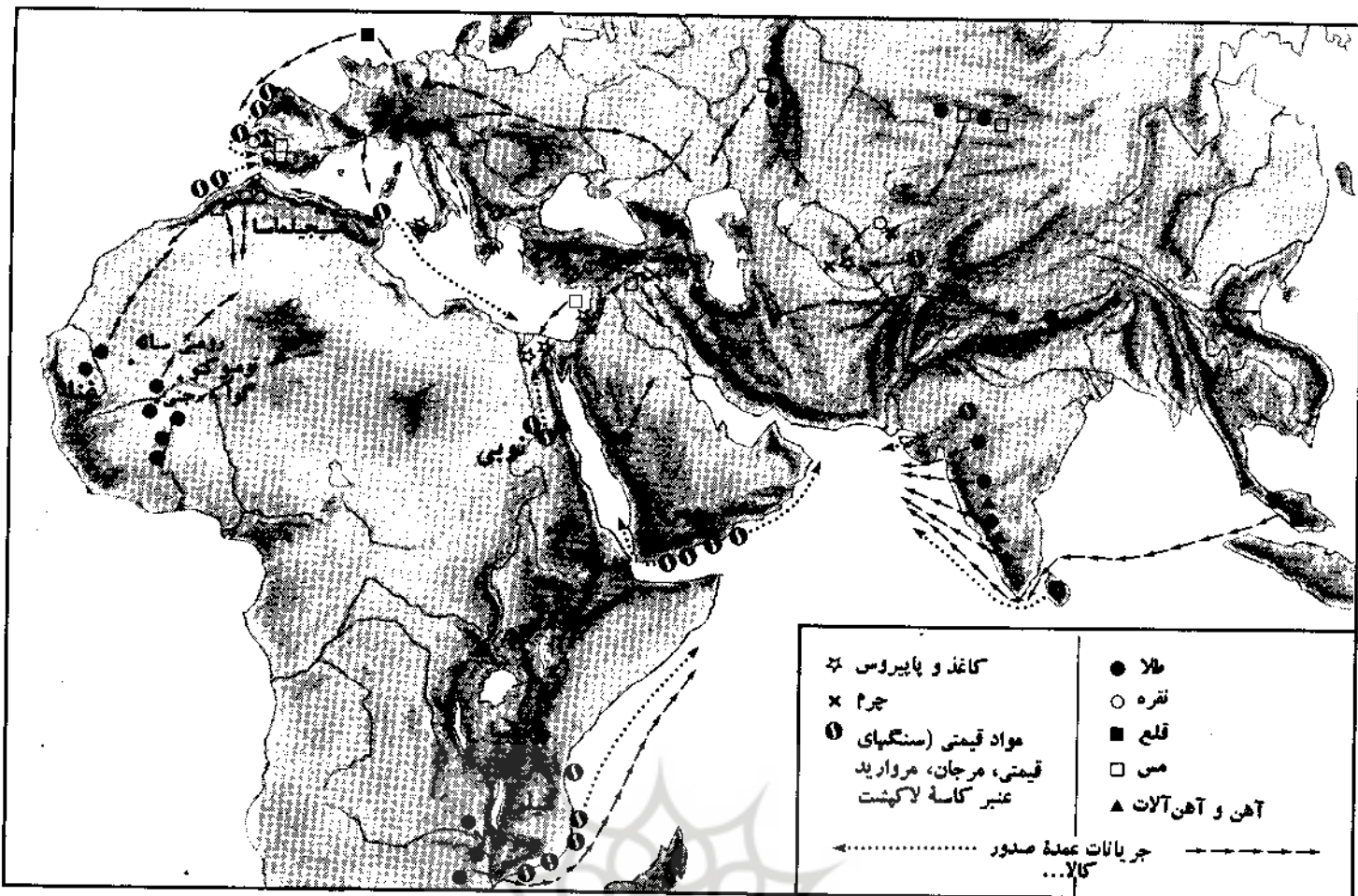




شهر چنه که در مجاورت رودخانه نیجر واقع شده است پیش از آنکه بصورت پایتخت امپراطوری سونگهایی (مطالب مربوط به تصویر صفحه ۱۴ را مطالعه کنید) درآید یکی از مهمترین شهرهای امپراطوری قدیم مالی بشمار میآمد. این شهر در حال حاضر نیز مرکز فعالینبای شدید تجارنی است. تصویر سمت چپ صحنهیی از بازار و دورنمایی از مسجد باشکوه شهر را نشان میدهد. روزهای دوشنبه هر هفته جمعیت انبوهی از فروشندگان و خریداران کالا از قبایل پول، بوزو، توآرگ و بامبارا که ساکنان روستاهای بسیار دور هستند در میدان بزرگ بسیار شلوغ و پرهیاهوی شهر گرد هم می آیند.

Photo © Gert Chei, Schwaz, Autrice





Carta Atelier Philippe Gentil - Ed. Armand Colin, 1977

روزی بتوانند پایه سنگی بنای مشهوری را که روزگاری موجب مسرت مانسا موسی شده بود پیدا کنند.

درداقره، مانساموسی سوالات دانشمندان و درباریانی که اطراف وی گرد آمده بودند با طیب خاطر پاسخ گفت. راجع بامپراطوری خود مطالب مفصل و گاهی مبالغه آمیز بیان کرد از جمله گفت که درباره طلا از یک حق استثنایی برخوردار است و بعنوان جزیه آنرا دریافت میکند. در مورد وسعت خاک امپراطوری خود بگزاره گویی پرداخت و اظهار داشت که جمعیت بسیار انبوهی در آن بس میبرند. با اینهمه اگر این جمعیت با جمعیت سیاهوستی که دور و بر آن را فرا گرفته اند و در جهت جنوب گسترش دارند مورد سنجش قرار گیرد بجزئی از یک لکه سفید کوچک روی پوست بدن یک گاو سیاه خواهد بود!

بنابراین او از وجود جمعیت انبوه و قلمروهای سلطنتی قدرتمند در جنوب و بخصوص از جمعیت بسیار زیاد سودان غربی کاملاً آگاه بوده است. سلطان همچنین فاش ساخت که در امپراطوری وی شهری بنام «تیکیدا» (آزلیک فعلی) هست که در آن معدن مس سرخ وجود دارد و از این معدن مس را بصورت شمش وارد نیانی میکنند. او گفت که در سراسر خاک کشورش منبع درآمدی که با درآمد حاصله از صادرات مس خام قابل قیاس باشد وجود ندارد. و افزود که مس تنها از این معدن استخراج میشود و نه از معادن دیگر و اضافه کرد که: ما آنرا یکسوره های سیامیستان بت پرست میفرستیم و هر متقال آنرا با طلا ب برابر بادوسوم وزنش مبادله میکنیم. بنابراین مس با شصت متقال و دوسوم متقال طلا مبادله میشود (الهمری). و نیز در قاهره بود که او فاش ساخت که امپراطور پیش از وی در یک سفر دریایی بهلاکت رسیده است. این امپراطور که به بیکران بودن دریا اعتقاد نداشت دو بیست کشتی پر از انسان

او مسجد بزرگی در «گائو» ساخت که تنها آثاری از پی بنا و بخشی از محراب آن اکنون باقی مانده است. این معمار در تومبوکتو نیز یک مسجد بزرگ دیگر و یک فصر سلطنتی بنا کرد. ولی زیباترین اثر وی تالار مشهوری است که در «نیانی» ساخته و در آن شاه ملاقات کنندگان را بحضور خود میبیدرفت. او برای ساختن این بنا از همه قدرت هنری خود استفاده کرد. امپراطور میخواست یک بنای محکم با اندودی از گچ بسازد و گنبددار بنا کرد و با اندودی از گچ و تزییناتی از شاخ و برگ بهمیچسبده و رنگهای درخشان آنرا بیک بنای شکفت انگیز مبدل ساخت. چون چنین نیایی در آن سرزمین دیده نشده بود از ایشرو سلطان بسیار شاد شد و بعنوان نشانه خشنودی مقدار دوازده هزار متقال گچ طلا بمعمار انعام داد.

بی شک معمار مجبور شده بود که در ساختمان بنا گل لگد مال شده را که متداولترین مصالح در این قسمت از سودان بشمار میرود بکار برد. در جاهایی مانند «نیانی» بناهای ساخته شده با چنین مصالحی نیاز به مرمت دائمی دارند. در مناطق شمالی تر قلت باران سبب میشود که بناها بیشتر دوام بیاورند و این در مورد مساجد «جنه»، «تومبوکتو» و «گائو» صدق میکند. بعلت فقدان سنگ، گل لگد مال شده را برای استحکام بیشتر مخلوط با قطعات چوبی در ساختمان بناها بکار میبرند. و سبک اصیل مساجد سودانی که در آنها قطعات چوبی فراوانی بکار رفته ناشی از اینجاست. با ویرانیهای متوالی شش «نیانی» و پس از پاک شدگی پوشش گچی در اثر بارندگیها، کار شاعر - معمار، همانگونه که در غالب بناهای تاریخی «نیانی» مشاهده میشود، سرانجام باستعمال توده های از خاک رس منجر گردیده که زیر آن باستان شناسان شاید

روزی بتوانند پایه سنگی بنای مشهوری را که روزگاری موجب مسرت مانسا موسی شده بود پیدا کنند. درباریانی که اطراف وی گرد آمده بودند با طیب خاطر پاسخ گفت. راجع بامپراطوری خود مطالب مفصل و گاهی مبالغه آمیز بیان کرد از جمله گفت که درباره طلا از یک حق استثنایی برخوردار است و بعنوان جزیه آنرا دریافت میکند. در مورد وسعت خاک امپراطوری خود بگزاره گویی پرداخت و اظهار داشت که جمعیت بسیار انبوهی در آن بس میبرند. با اینهمه اگر این جمعیت با جمعیت سیاهوستی که دور و بر آن را فرا گرفته اند و در جهت جنوب گسترش دارند مورد سنجش قرار گیرد بجزئی از یک لکه سفید کوچک روی پوست بدن یک گاو سیاه خواهد بود!

بنابراین او از وجود جمعیت انبوه و قلمروهای سلطنتی قدرتمند در جنوب و بخصوص از جمعیت بسیار زیاد سودان غربی کاملاً آگاه بوده است. سلطان همچنین فاش ساخت که در امپراطوری وی شهری بنام «تیکیدا» (آزلیک فعلی) هست که در آن معدن مس سرخ وجود دارد و از این معدن مس را بصورت شمش وارد نیانی میکنند. او گفت که در سراسر خاک کشورش منبع درآمدی که با درآمد حاصله از صادرات مس خام قابل قیاس باشد وجود ندارد. و افزود که مس تنها از این معدن استخراج میشود و نه از معادن دیگر و اضافه کرد که: ما آنرا یکسوره های سیامیستان بت پرست میفرستیم و هر متقال آنرا با طلا ب برابر بادوسوم وزنش مبادله میکنیم. بنابراین مس با شصت متقال و دوسوم متقال طلا مبادله میشود (الهمری). و نیز در قاهره بود که او فاش ساخت که امپراطور پیش از وی در یک سفر دریایی بهلاکت رسیده است. این امپراطور که به بیکران بودن دریا اعتقاد نداشت دو بیست کشتی پر از انسان

او مسجد بزرگی در «گائو» ساخت که تنها آثاری از پی بنا و بخشی از محراب آن اکنون باقی مانده است. این معمار در تومبوکتو نیز یک مسجد بزرگ دیگر و یک فصر سلطنتی بنا کرد. ولی زیباترین اثر وی تالار مشهوری است که در «نیانی» ساخته و در آن شاه ملاقات کنندگان را بحضور خود میبیدرفت. او برای ساختن این بنا از همه قدرت هنری خود استفاده کرد. امپراطور میخواست یک بنای محکم با اندودی از گچ بسازد و گنبددار بنا کرد و با اندودی از گچ و تزییناتی از شاخ و برگ بهمیچسبده و رنگهای درخشان آنرا بیک بنای شکفت انگیز مبدل ساخت. چون چنین نیایی در آن سرزمین دیده نشده بود از ایشرو سلطان بسیار شاد شد و بعنوان نشانه خشنودی مقدار دوازده هزار متقال گچ طلا بمعمار انعام داد.

بی شک معمار مجبور شده بود که در ساختمان بنا گل لگد مال شده را که متداولترین مصالح در این قسمت از سودان بشمار میرود بکار برد. در جاهایی مانند «نیانی» بناهای ساخته شده با چنین مصالحی نیاز به مرمت دائمی دارند. در مناطق شمالی تر قلت باران سبب میشود که بناها بیشتر دوام بیاورند و این در مورد مساجد «جنه»، «تومبوکتو» و «گائو» صدق میکند. بعلت فقدان سنگ، گل لگد مال شده را برای استحکام بیشتر مخلوط با قطعات چوبی در ساختمان بناها بکار میبرند. و سبک اصیل مساجد سودانی که در آنها قطعات چوبی فراوانی بکار رفته ناشی از اینجاست. با ویرانیهای متوالی شش «نیانی» و پس از پاک شدگی پوشش گچی در اثر بارندگیها، کار شاعر - معمار، همانگونه که در غالب بناهای تاریخی «نیانی» مشاهده میشود، سرانجام باستعمال توده های از خاک رس منجر گردیده که زیر آن باستان شناسان شاید

روزی بتوانند پایه سنگی بنای مشهوری را که روزگاری موجب مسرت مانسا موسی شده بود پیدا کنند. درباریانی که اطراف وی گرد آمده بودند با طیب خاطر پاسخ گفت. راجع بامپراطوری خود مطالب مفصل و گاهی مبالغه آمیز بیان کرد از جمله گفت که درباره طلا از یک حق استثنایی برخوردار است و بعنوان جزیه آنرا دریافت میکند. در مورد وسعت خاک امپراطوری خود بگزاره گویی پرداخت و اظهار داشت که جمعیت بسیار انبوهی در آن بس میبرند. با اینهمه اگر این جمعیت با جمعیت سیاهوستی که دور و بر آن را فرا گرفته اند و در جهت جنوب گسترش دارند مورد سنجش قرار گیرد بجزئی از یک لکه سفید کوچک روی پوست بدن یک گاو سیاه خواهد بود!

«اولااتا» بزرگترین نقطه تقاطع راههای کاروانرو بود. شهر چنه در کنار رودخانه نیجر و شهر تومبوکتو در کنار دره آن اندک اندک گسترش یافتند. ولی «نیانی» که در قرن چهاردهم پایتخت بود بی شک محل دیدار تجار بزرگ را تشکیل میداد. اسلام کم کم در شهرهای شرقی استواری دوآیند. پادشاه چنه، خراجگزار امپراطوری مالی، در حدود سال ۱۳۰۰ بی تردید در آنر فشار بازرگانان بیشمار «سارا کوله» و «مالینکه» باسلام گروید.

اگر چه طلا در گسترش تجارت در سراسر صحرا نقش عمده ای ایفا نموده ولی نباید فراموش کرد که اقتصاد سودان بر ثروت های طبیعی دیگر نیز مبتنی بوده است. کشاورزی از زمان سونجاتا در این سرزمین رواج کامل داشت. پنبه که در قرن دهم توسط اعراب وارد سودان شده بود در منطقه سودان و ساحل کشت میشد. بافندگی و رنگرزی بسرعت جزو کارهای تخصصی برخی از اقوام در آمده بود. المری و ابن بطوطه از کشت پنبه و انواع ارزن در این کشور برای ما سخن میگویند. مسب داخلی نیجر در منطقه چنه انبار برنج امپراطوری را تشکیل میداد. خود شهر چنه نیز که تیول دائمی ملکه ها محسوب میشد اهمیتش روز بروز بالا میرفت و بصورت نوعی انبار برای صدور ارزاق، روغن، برنج، قهوه، ارزن، عسل سوی مناطق تقریباً خشک تومبوکتو که در آن زمان پس از «اولااتا» دومین نقطه تقاطع راههای کاروانرو از لحاظ اهمیت بحساب میآمد در آمده بود. در مناطق غربی یا آتلانتیک

بخصوص در گامبی و کازامانس برنج و پنبه فراوانی تولید میشد. بازارهای مکاره فرصت مناسبی برای مبادله کالا بر اساس پایاپای بشمار میآمدند. در داخل امپراطوری سیستم پولی بسیاری رواج داشت: نوارهای کوچک نخی، میله هایسی از آهن پیچیده و بویژه خرمهره و صدف متداولترین پولها را تشکیل میدادند. قطعات کوچک نمک معدنی نیز بعنوان پول بکار میرفت. امپراطوران مالی مانند امپراطوران پیشین در غنا راجع به استفاده از طلا و مس از حقوق و امتیازات سلطنتی برخوردار بودند. سازمان گمرک با قدرت تمام مراقب ورود و صدور محصولات و کالاهای تجارتی بود. صدور کالا بسوی شمال مستلزم پرداخت حقوق گمرکی سنگینی بود. ابن بطوطه بازرسی دقیق قافله ها را توسط حاکم «اولااتا» بچشم خود مشاهده کرده است.

امپراطوران غنا و پس از آنها امپراطوران مالی با اهمیت طلا در معاملات خود با اعراب و بربرها کاملاً واقف بودند. از آنسو ورود بازرگانان شمالی را بمناطق زرخیز آکیدامنوع ساخته بودند. نظارت سودانی ها بر معادن نمک صحرا قدرت باز بیشتری بآنها می بخشید. زیرا نمک در کشورهای درونی آفریقا بسیار کمیاب بود. این کالای بسیار مورد نیاز برای بازرگانان منبع درآمد بزرگی شمرده میشد. همه امپراطوران سودان به در دست گرفتن کنترل تجارت نمک علاقه مند بودند.

و اما برای اروپای قرون وسطی، مالی پیش از همه يك صادر کننده بزرگ طلا بشمار

میرفت. در واقع پیش از کشف آمریکا، طلای سودان تقریباً به تنهایی طلای مورد تقاضای تجار عرب و کشورهای سواحل دریای مدیترانه را تأمین میکرد. ما در قرن پانزدهم میلادی می بینیم که شهرهای تجارتی و شاهان برتقال برای دسترسی بسودان افسانه هایی چه شوری از خود نشان میدهند. فعالیت های دامنه دار تجارتی در پیشرفت توسعه شهرهای مالی بسیار مؤثر واقع گشت. شهرهایی مانند نیانی، چنه، گائو و تومبوکتو تعداد روزافزونی از اعراب و بربرها را بخود جلب کردند در حالیکه اقوام مالینکه و سارا کوله در سراسر حاشیه جنگل بازار مکاره و محلهای داد و ستد ایجاد نمودند. نتیجه ای که از آن بیار آمد این بود که نژاد، ماندینگ در منطقه وسیعی - از سواحل گامبی گرفته تا نواحی زرخیز سرزمین آشاتنی - پختن و پراکنده گشت. برخی از مؤلفان ارقامی را که میتوان در آثار نویسندگان عرب مشاهده نمود بمبالغه آمیز می شمردند. ابن خلدون در پایان قرن چهاردهم از قافله هایی مرکب از دوازده هزار شتر سخن میگوید.

مالی تا قرن شانزدهم همچنان رونق یافت. تجار آن سرزمین گاهی برای برتقالیها رقبای جدی بشمار میرفتند زیرا کنترل منابع طلای آفریقای داخلی را در دست داشتند. در فاصله سالهای ۱۵۵۰ و ۱۵۹۹ آخرین پادشاهان مالی بیهوده کوشیدند تا پایگاه سابق این کشور را به او باز گردانند. زیرا زمان عظمت دیگر بسر آمده بود.

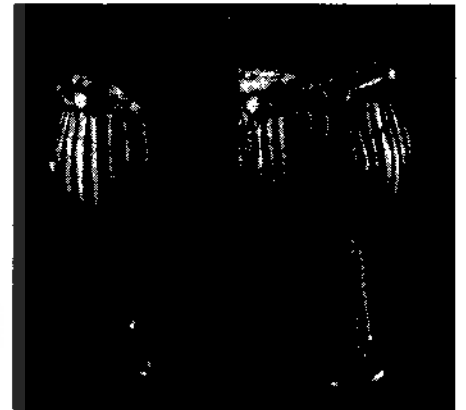
جبرئیل تا مسیریان

## وزنه خرد و حکمت

این مجسمه های کوچک تزئینی که از مس مخلوط با روی و گمما از طلا ساخته میشدند زمانی بعنوان وزنه برای وزن کردن طلا بکار میرفتند. هر يك از اینها توجه کننده ضرب المثل هستند که میان عامه مردم در مورد آنها شایع است. در سمت راست، این دو طبل سنتی متعلق بقبیله آکان از قبایل ساکن غنا و ساحل عاج توجه کننده ضرب المثل زیر هستند: پوست ماده مرالی که از مادرش پیروی نمیکند خوبست که برای ساختن پوست طبل بکار رود.

این تصویر نشان دهنده وزنه دیگری موسوم به «آجایا» یعنی تخت سلطنت است که باز بقبیله آکان تعلق دارد. این وزنه نمادی از پادشاهی، دولت و ملت بشمار میآید. افراد قبیله آکان روی چنین تختی برای ازواج اجداد خود قربانی ذبح میکنند. این وزنه توجه کننده دو ضرب المثل است که عبارتند از: ۱- جای که تختی وجود ندارد شاهی وجود ندارد ۲- شاه فانی ولی آجایا همیشه باقی است.

این وزنه موسوم به «آتافه» بمعنای همبستگی متعلق بقبیله آکان توجه کننده این نکته است که دستها و پاها بشرط آنکه برای باری کردن بدیگران بکار روند نشانه یی از همبستگی واقعی محسوب میشوند. ضرب المثل دیگری که این مفهوم را با وضوح بیشتری بیان میکند وجود دارد که میگوید: «ما متحدیم از آنرو که غذای یکسانی را خورده ایم». در این ضرب المثل مفهوم غذای معنوی مستتر است.



این پرنده که به پشت سر خود میگرد  
از علائم مهم سلطنتی است برین معنی  
که پادشاه قادر بدیدن هرچیز است.  
نتیجه اخلاقی که از آن میتوان گرفت  
اینستکه بهتر است انسان گاه متوجه  
حوادثی که در پشت سرش بوقوع می-  
پوندد، باشد.

Photo © collection particulière